

شناخت و تحلیل شعر منثور شاملو

دکتر مهدی صفری*

طاهره صفرپور**

چکیده

شعر منثور در ادبیات فارسی معاصر به عنوان یکی از جریان‌های مهم ادبی به رسمیت شناخته شده است. این نوع شعر قبل از اینکه یک خلاقیت شاعرانه باشد، نوعی آگاهی و عمل آگاهانه در جهت رهایی از قید و بندها و معیارهای شعری قدیم و دست‌یابی به افق‌هایی نو در ساخت و بیان شعر است. شعر شاملو با توجه به اوضاع پر تلاطم سیاسی و اجتماعی اساساً شعری اجتماعی و به تعبیری شعری متعهد است. شعر او در سایه برخورداری از یک شیوه پویا و مصلحت‌گریز متمایل به موقعیت پریشان جامعه و وضعیت مردم رنج دیده است. در این پژوهش برآنیم تا با روش تحلیلی به بررسی شعر منثور شاملو بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: احمد شاملو، شعر معاصر، اجتماع، شعر منثور، تحلیل

مقدمه

شعر سپید یا شعر منثور در ادبیات فارسی معاصر به عنوان یکی از جریان‌های مهم ادبی به رسمیت شناخته شده است. این نوع شعر قبل از اینکه یک خلاقیت شاعرانه باشد، نوعی آگاهی و عمل آگاهانه در جهت رهایی از قید و بندها و معیارهای شعری قدیم و دست‌یابی به افق‌هایی نو در ساخت و بیان شعر است. بنابراین شایسته است تا آثار شاعران آن به ویژه سرآمدان این نوع ادبی با

Mahdi.safarpour@yahoo.com

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور

tara64safar@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی مرکز پیام نور اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۰



دیدگاهی جدید و با تعریفی مدرن از شعر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. در حقیقت یک فرد شاعر عناصر خلاقیت خود را از زمانه اش می‌گیرد و عناصر پراکنده و آگاهی نیافته را در اثرش به محتوایی می‌رساند که برای قرن‌ها می‌ماند. در حقیقت آنچه باعث برجستگی نوابغ و آثار هنری می‌شود توانایی هنرمند در بیان ارزش‌های معنوی گروه خاصی در جوامع انسانی است. به این ترتیب هر هنرمندی محصول اجتماع است. از این رو می‌توان با توجه به درون مایه‌ی برجسته آثار یک هنرمند به ساختارهای ذهنی جامعه، محل زندگی هنرمند و اوضاع سیاسی و اجتماعی آن بیش تری برد. شعر شاملو با توجه به اوضاع پر تلاطم سیاسی و اجتماعی اساساً شعری اجتماعی و به تعبیری شعری متعهد است. شعر او در سایه برخورداری از یک شیوه پویا و مصلحت‌گریز متمایل به موقعیت پریشان جامعه و وضعیت مردم رنج دیده است و خواستار تحقق یافتن یک زیستگاه انسانی تحول‌پذیر و شرافتمند. جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر فارسی نوعی شعر نیمایی است با محتوای اجتماعی و فلسفی که هدف آن بالا بردن ادراک و اندیشه است و می‌خواهد خواننده چشم و گوش خود را باز کند و همه چیز را ببیند. از این رو مساله فرد از بین می‌رود و هر چه هست اجتماعی است. در این نوع شعر حتی عشق که نوعی گرایش فردی است جنبه و روح اجتماعی پیدا می‌کند. شاملو از شاعرانی است که با نگاهی سمبولیک به طرح مسائل و دغدغه‌ها می‌پرداخت. شعر شاعران این جریان از پشتوانه نوعی درک و دریافت فکری و فلسفی برخوردار است و عمده توجه آن به مسایل سیاسی و اجتماعی و مشکلات و آرمان‌های مردم است و همین مساله شعر شاعران اینچنین را از جریان شعر عاشقانه و فرد‌گرای دهه‌های بیست و سی متمایز می‌سازد.

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه شناخت و بررسی شعر منثور شاملو تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است اما در زمینه‌ی بررسی کارکرد اجتماعی اشعار شاملو کتابی به قلم تقی پور نامداریان با عنوان سفر در مه و همچنین کتاب نقد آثار شاملو از عبدالعلی دستغیب منتشر شده است. همچنین به صورت پراکنده پژوهش‌هایی درباره شعر شاملو صورت گرفته است:

-بازنمایی مسائل اجتماعی ایران در شعرهای احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد در خلال سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۳۵، (مهدی گوهریان، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی)
-بررسی اندیشه‌های چهار شاعر معاصر (نیما یوشیج، اخوان ثالث، احمد شاملو، سهراب سپهری) (جمشید عرفانی، دانشگاه بروجرذ)

تحلیل

مختصری از زندگینامه احمد شاملو

احمد شاملو با تخلص شعری (الف-صبح، الف-بامداد) در تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ در خیابان صفی علی‌شاه در تهران متولد شد.

شاملو خود در شعر با «تخلص خونین بامداد» کاملاً مستقیم به تخلص شعری خود اشاره می‌کند. «با تخلص سرخ بامداد به پایان بردم لحظه لحظه‌ی تلخ انتظار خویش» (حدیث بی‌قراری ماهان، ۱۳۸۹: ۱۰۴۴-۱۰۴۵)

پدرش افسر ارتش بود، به همین دلیل دوران کودکی و نوجوانیش را در شهرهای مختلف ایران گذراند.

«پس از تولد احمد، خانواده‌اش به شهرهایی چون رشت، سمیرم، اصفهان، آبادیه و شیراز انتقال می‌یابد. دوره‌ی دبستان را در خاش، زاهدان و مشهد گذراند و دوره‌ی دبیرستان را در بیرجند، مشهد و تهران طی کرد. سال سوم دبیرستان را در گرگان و ترکمن صحرا و سال چهارم دبیرستان را در رضائیه می‌گذراند.» (صاحب اختیاری و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۹)

در همان سال‌های نوجوانی به دلیل شرکت در فعالیت‌های سیاسی، «به جرم حمایت از نازیسم در تهران دستگیر می‌شود و به زندان شوروی‌ها در رشت منتقل می‌شود. حدود سال ۱۳۲۵-۱۳۲۴ از زندان می‌شود و به همراه خانواده‌اش به رضائیه می‌رود و کلاس چهارم دبیرستان را آغاز می‌کند. با آغاز حکومت پیشه‌وری و دموکرات‌ها، چریک‌ها به منزلشان می‌ریزند. شاملو و پدرش مقابل مقام جوخه اعدام قرار می‌گیرند، تا اینکه از مقامات بالا کسب تکلیف می‌شود و از مرگ نجات پیدا



می‌کنند. شاملو به تهران می‌آید و برای همیشه درس و تحصیل مدرسه‌ای را رها می‌کند. (شهرجردی، ۱۳۸۱: ۱۵)

نام همسر اول شاملو، اشرف الملوک اسلامیه بود که شاملو از او حدود چهار فرزند به نام‌های سیاوش، سیروس، سامان و ساقی می‌شود. همسر دوم او، خانم طوسی حائری بود و همسر سوم او خانم ریتا آتانت سرکیسیان (آیدا) بود، که تا آخر عمر شاملو با او زندگی کرد. شهرت اصلی او به خاطر سرودن شعر است که شاملو گونه‌های مختلف شعر نو (که بعدها شعر نیمایی هم نامیده شد) روی آورد. اما برای نخستین بار در شعر «تا شکوفه‌های سرخ یک پیراهن» که در سال ۱۳۲۹ با نام «شعر سفید غفران» منتشر شد، وزن را رها کرد و به صورت پیشرو، سبک نوینی را در شعر معاصر فارسی شکل داد. از این سبک به شعر سپید یا شعر منثور، یاد کرده‌اند. به اعتقاد بسیاری از ناقدان ادبی شاملو بزرگترین شاعر در سرودن شعر منثور است. شاملو علاوه بر شعر، در زمینه‌ی کارهای مطبوعاتی و تحقیق و ترجمه نیز آثار ارزنده‌ای دارد. بسیاری از آثار وی به زبان‌های: سوئدی، انگلیسی، ژاپنی، فرانسوی، اسپانیایی و آلمانی، روسی، ارمنی، هلندی، رومانیایی، فلانندی، کردی و ترکی ترجمه شده است. شاملو در سال‌های پایانی عمرش، به شدت از بیماری دیابت رنج می‌برد. سرانجام احمد شاملو در ساعت ۹ یکشنبه شب دوم مرداد ۱۳۷۹ در خانه‌ی دهکده درگذشت و پیکر او در امامزاده طاهر کرج، به خاک سپرده شد.

احمد شاملو و شعر سپید

شعر سپید در ایران با نام احمد شاملو گره خورده است. وی در تمام دوران زندگی هنری و ادبی خود کوشیده است که با تأثیر از کار شاعرانی چون پل الوار، مایاکوفسکی و لورکا ابعاد و زوایای این نوع شعر را تبیین کند و جایگاه و پایگاه ویژه‌ای برای آن در ایران تعریف کند. با اینکه گام‌های نخستین این حرکت ادبی از مشروطه برداشته شده بود و شاعرانی مانند تقی رفعت، ابوالقاسم لاهوتی و به ویژه نیما یوشیج زمینه‌های ظهور و بروز این نوع شعر را آماده کرده بودند، اما احمد شاملو توانست با پشتکار مثال زدنی خود قواعد و قوانین ادب کلاسیک را بر هم بزند

و سبکی جدید با اصول و قواعدی نو در عرصه شعر تعریف کند و به گواه محمد رضاشفیعی کدکنی «هوای تازه‌های به ریة شعر و ادب پارسی بدمد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۱۲) ضیاءالدین ترابی معتقد است: «شعر سپید شاملو شعر است نه نثر البته شعری است که در نثر اتفاق می‌افتد و در ادبیات فارسی نیز سابقه‌ای ندارد. اگر بخواهیم در ادبیات جهان سابقه‌ای برای پیدا کنیم می‌توانیم به «شعرهای به نثر بودلر» و «شعر آزاد» والت ویتمن اشاره کنیم که هر دو شعرهایی هستند که به نثر نوشته شده‌اند و مسلماً شاملو با آن‌ها آشنایی کافی داشته است. (ترابی، ۱۳۸۷: ۷)

مختصات شعر احمد شاملو

خلاقیت و نوآوری احمد شاملو در شعر، تنها به سبک و ویژه‌ای که وی در این حوزه تعریف کرد، محدود نمی‌شود. با مراجعه به شعر شاملودرمی‌یابیم که وی به خوبی از ظرفیت‌ها و امکانات معنایی زبان آگاه بوده است که این امر نشان از مطالعه عمیق شاعر در حوزه زبان و امکانات زبانی دارد. زبان شعری شاملو گاه به سبک نویسندگان کلاسیک این مرز و بوم مانند ابوالفضل بیهقی نزدیک می‌شود که مشخصه اصلی آن لحن حماسی و استفاده از لغات و تعبیری است که تنها در این دوره دیده می‌شود؛ گاهی به صورت تابلوهایی چشم نواز در می‌آید که نشان از لطافت و نرمی خیال وی دارد و در بعضی از موارد به زبان محاوره گرایش پیدا می‌کند. به تعبیر دیگر «زبان شعر شاملو همچون درختی است که ریشه آن در زبان نظم و نثر فارسی دری تا حدود قرن هشتم استوار شده است و شاخ و برگ آن در فضای زبان امروز افشان گردیده است؛ به همین جهت این زبان شکوه و استواری زبان دیروز و طراوت و تازگی زبان امروز را در خود جمع دارد» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۵۵)

به تعبیر دیگر می‌توان از شعر احمد شاملو به موزه زبان شناسی تعبیر کرد؛ به دلیل اینکه اکثر امکانات و قابلیت‌های زبانی در شعر وی نمایان است. یکی دیگر از جنبه‌های مهم شعر احمد شاملو که در حقیقت باعث تفکیک شعر وی از انواع شعر نیمایی می‌شود فقدان وزن در اشعار شاعر است. واقع قضیه این است که تا قبل از شاملو به طور کلی شعر بی وزن شعر تلقی نمی‌شد و هیچ کدام از شاعران معاصر پارسی یارای نزدیک شدن به این گونه شعر را نداشتند؛ با ظهور وی و



تلاش و جدیت بی وقفه او در این حوزه کم‌کم شعر آزاد نیز جایگاه ویژه‌ای در بین قالب‌های شعری پیدا کرد. کاری که با اقبال و تحسین نظریه پردازانی مانند نادر نادر پور به عنوان یکی از چهره‌های شاخص مخالف شعر شاملویی روبه‌رو شد. اما این به این معنی نیست که شعر احمد شاملو به طور کلی از موسیقی به دور است، بلکه او برای تأمین آهنگ و موسیقی شعر خود از امکانات و پتانسیل‌های ویژه خود بهره می‌گیرد و به خوبی با اجزا و عناصر و کیفیت آن آشناست. تقی پورنامداریان در کتاب سفر در مه، در فیلمی که به موسیقی در شعر احمد شاملو پرداخته به خوبی کیفیت موسیقی و اسباب و اجزای تشکیل دهنده آن را در شعر وی تحلیل کرده است. پورنامداریان عوامل شکل‌دهنده شعر شاملو را متفاوت و مختلف ارزیابی می‌کند که در پاره‌ای از موارد با استفاده از مختیات نثر دوره اول زبان فارسی به این امر واقف می‌شود؛ در برخی از موارد تکرار حروف مشابه، چه صامت و چه مصوت ابزار شاملو برای تولید موسیقی و آهنگ در شعر می‌شود و در برخی از موارد با آوردن کلمات هم قافیه و هم وزن در درون و در پایان مصراع‌ها به این مهم می‌رسد و در پاره‌ای از موارد تکرار یک کلمه یا گاهی چند کلمه در آغاز، میان و پایان مصراع‌هاست که کار تولید موسیقی و آهنگ شعر را بر عهده می‌گیرند.

شاملو و سیاست

احمد شاملو از سال ۱۳۲۳-۱۳۲۲ که توسط متفقین بازداشت و در شهر رشت به اسارت کشیده شد تا آخرین لحظه زندگی ۲ مرداد ۱۳۷۹ هیچ‌گاه از فعالیت‌های مستقیم و غیر مستقیم سیاسی دور نبوده است. او که مدتی کم‌تر از دو ماه عضو جوانان حزب توده بود، بلافاصله پس از ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و خیانت رهبران این حزب و در نتیجه اعدام روشنفکرانی چون مرتضی کیوان و خسرو روزبه برای همیشه سمپاتی به جریان‌ها و تشکیلات سیاسی را بوسید و کنار گذاشت و از موضعی کاملاً مستقل وارد چالش‌های سیاسی اجتماعی شد. شاملو علی‌رغم این که همواره می‌کوشید مرزی میان شعر و سیاست ببندد اما در دفاتر شعر قطعنامه و هوای تازه، باغ آئینه، شکفتن در مه، دشنه در دیس، ابراهیم در آتش، ترانه‌های کوچک غربت و مدایح بی‌صله،

شعرهای بسیاری را به دست چاپ سپرد که هر کدام از یک واقعه سیاسی الهام می گرفتند. (قراگوزلو، ۱۳۸۲: ۹۶)

در میان شاعران معاصر، عمیق ترین جهان بینی سیاسی از آن شاملو است. شعر او نه تبدیل شده است به بیانیه سیاسی این حزب و آن گروه و نه آنقدر سیاست زده شده است که التذاذ هنری برای خواننده نداشته باشد. همچنین نگرش سیاسی او نگرشی انقلابی و سطحی نیست بلکه بر عکس مبتنی بر شعوری سیاسی است که در زمان‌ها و مکان‌های زیادی مخاطب خودش را می‌یابد. (زرقانی، ۱۳۸۴: ۴۵۱)

از قتل تقی ارانی و مرتضی کیوان و وارتان سالاخانیان و همنشینی با شن چوی کره‌ای تا حادثه سیاهکل (شعرهای جمعه و ضیافت) و شهادت محسن رضایی و چهار مبارز ترکمن صحرا و فواد مصطفی سلطانی و... همه و همه به صور مختلف در شعر شاملو راه یافتند و تبدیل به شعور عمومی شدند. بخشی از این اشعار سیاسی در نوار صوتی کاشفان فروتن شوکران با صدای آسمانی او برای همیشه جاودانه شده است. همچنین ترجمه‌های شاملو نیز در دو عرصه شعر و رمان کاملاً آگاهانه صورت پذیرفته است. ترجمه اشعار یانيس ریتسوس که فریاد ضد فاشیستی مبارزان یونانی را ثبت می‌کند تا برگردان اشعاری از هیوز، پره ور، یاز، حکمت، نرودا و حتا الوار از یک سو و ترجمه رمان‌هایی چون ۱۸۴۹۰، مرگ کسب و کار من است، خزه، پا برهنه‌ها، بگذار سخن بگویم و دن آرام از سوی دیگر بیان گر این نکته است که شاملو هیچگاه و علی رغم میل خود از سیاست به طور کلی بر حذر نبوده است. (قراگوزلو، ۱۳۸۲: ۹۶)

اندیشه شعری شاملو به طور جدی با شعر سیاسی آغاز می‌شود. منظور از شعر سیاسی آن نوع شعری است که مستقیماً با قدرت سیاسی حاکمان در می‌افتد و یا از یک گرایش سیاسی خاص پیروی می‌کند. او با قدرت سیاسی وقت سر سازگاری ندارد و با زبان شعرش از مبارزانی که در برابر قدرت سیاسی وقت قیام کرده‌اند حمایت می‌کند. مثلاً در اشعار قصیده‌ای برای انسان ماه بهمن، سرود بزرگ، از زخم قلب آبابی، مرگ نازلی، ساعت اعدام، نگاه کن و سنگفرش می‌توان جلوه‌های این نوع اندیشه را مشاهده کرد. (زرقانی، ۱۳۸۴: ۵۲۵)



بررسی و تحلیل شعر منثور شاملو

شعر امروز ایران دو آغاز کننده‌ی جدی دارد نیما و شاملو. شعر یک بار با نیما متحول گردید بار دیگر با الف بامداد دیگرگون شد. اگرچه نیما راهگشای شعر امروز ایران است اما، با حفظ نوعی وزن و قافیه بند ناف خود را با ادب قدیم حفظ کرد. الف بامداد اگر چه بر اساس تاریخ پس از او می‌آید و مدتی به اقتضای او کار می‌کند اما زمانی بعد، آزادسازی شعر از قیود سنتی وزن عروضی و تبعات آن را ضروری می‌بیند و از عروض نیمایی نیز عدول می‌کند. تجربه‌ی شعر سپید را قانون- مند می‌کند و سامان می‌بخشد و دوره‌ی جدیدی در شعر فارسی آغاز می‌کند. (مجایی، ۱۳۷۷: ۷۴)

شاملو با ادراک پیام نهایی نیما یوشیج که «انقلاب در ساختار درونی شعر» بود کاری را که نیما نتوانسته یا نخواست به انجام دهد صورت داد؛ یعنی قطع رابطه‌ی صوری و معنایی با شعر کهن و در هم شکستن قالب شعر عروضی تا از اجزاء آن دوباره قالبی مدرن ساخته‌آید و امکانات تازه و فرم‌های بی‌شمار ادبی پدیدآورد. در «شعر سپید شاملویی» واژگان به عنوان سلول ترکیب شونده در خدمت تحرک مفاهیم و تصاویر شعری قرار می‌گرفت. در روش‌های کارکردهای موسیقایی، هارمونی و کمپوزیسیون، ترکیب‌ها، تصاویر و مفاهیم شعری معماری درونی شعر را آنچنان انتظام می‌بخشید که آن همبستگی باطنی ساختار بیرونی شعر را یکپارچه و هماهنگ و کامل می‌کرد.

(همان: ۸۲-۸۱)

الف بامداد شعر را اینگونه معنی می‌کند: «بگذارید شعر را به سیلابی تشبیه کنم... در این صورت وزن سیل‌گیری است که جریان طبیعی سیلاب را منحرف می‌کند و از حرکت خلاقه‌ی طبیعی‌اش مانع می‌شود. سیلاب باید تمامی دامنه را فرا گیرد و آنگاه با تراشیدن زمین شکل نهائی‌اش را بیابد و در هیات رودی چرخه‌ی مقدرش را آغاز کند. نه آنکه در بستر از پیش حفر شده‌ای بگذرد و قرن‌ها دور خودش چرخک بزند و نتواند از محصوره‌های محدود غزل و رباعی و قطعه‌ی بیرون بگذارد و به خلاق‌ترین امکانات خود دست یابد... قافیه اگر به جا مورد استفاده قرار بگیرد یک ارزش است؛ ولی استعمال نابجا به یک ضد ارزش تبدیلش می‌کند...» (مجایی، ۱۳۷۷: ۸۱-۸۰)

احمد شاملو از شاعران سورئالیست به خصوص پل الوار و فدريكو گارسیا لورکا تاثیرات بسیار زیادی پذیرفته است. پل آلوار بیشتر بر دیدگاه شاملو نسبت به تعریف شعر تاثیر گذاشته است و لورکا که نمایشنامه‌نویس و شاعر است بیشتر از نظر مضامین و فضا سازی‌های دراماتیک شعری بر او تاثیر گذار بوده است. کیومرث منشی‌زاده، معتقد است: «احمد شاملو در دوران دوم کارش متوجه شعر لورکا شد» (شهرجردی، ۱۳۸۱: ۳۷۴)

دید واقع بینانه شاملو نسبت به اجتماعی که در آن زندگی می‌کند و نسبت به دردها و بی عدالتی‌های مسلط بر جامعه که مردم بیچاره با آن دست به گریبانند از آن نوع بینش‌های به خود بسته و ریاکارانه نیست که شیوه رایج روز شده است و هر بی هنری با تمسک به آن می‌خواهد در عرصه نام آوری ترکتازی کند، بلکه نتیجه مستقیم زندگی و تجربه‌های اوست. صمیمیت ملموسی که در شعرهای شاملو موج می‌زند نتیجه همنوایی و یگانگی وی با تجربه‌هایی از آن خویشتن است. اگر او را شاعری متعهد و اجتماعی می‌خوانیم این اجتماعی بودن بیش تر جبری است تا اختیاری. در واقع جبر تجربه‌ها و درگیری‌های خاص او با زندگی است که زمینه اصلی را برای بروز عواطف اجتماعی در شعر او مهیا می‌کند. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۱۱۱)

شاملو در شعری که زندگی است از مجموعه هوای تازه (۱۳۳۶)، از شاعران بزرگ پیشین فارسی به این دلیل که موضوع شعرشان از زندگی و مردم و درد و رنج‌های آنان نبوده است انتقاد می‌کند و سپس در ادامه شعر مورد نظر خود و موضوع و کارکرد آن در «شعری که زندگیست»، به مردم می‌پیوندد و سرنوشت خود را به سرنوشت آنان گره می‌زند و شعر او شعری می‌شود متعهدانه و ملتزم و جامعه‌گرایانه. (حسین پورچافی، ۱۳۸۷: ۲۵۱)

خشم و خروش شاملو به خاطر مردم است، مردم فقیر و بیچاره‌ای که فقر و فاصله طبقاتی زندگی آن‌ها را تحمل مدام درد و ستم کرده است:

استادان خشم من / ای استادان درد کشیده خشم / من از برج تاریک اشعار شبانه بیرون می‌آیم / و در کوچه‌های پر نفس قیام / فریاد می‌زنم... (هوای تازه - آواز شبانه برای کوچه‌ها)

برای همین مردم است که شعر می‌گویند و برای همین مردم است که خورشید را می‌سرایند:



دیر گاهی است که من / سراینده‌ی خورشیدم / و شعرم را / بر مدار مغموم شهاب‌های سرگردانی
نوشته ام / که از عطش نور شدن خاکستر گشته اند / من برای روسپیان و برهنگان می‌نویسم / برای
مسلولین / و خاکستر نشینان / برای آن‌ها که بر خاک سرد امیدوارند / و برای آنان که دیگر به
آسمان امید ندارند... / بگذار / خون من بریزد / و خلاء میان انسان‌ها را پر کند... / (هوای تازه - آواز شبانه
برای کوچه‌ها)

واقعیت‌های تلخ سیاسی و اجتماعی یکی پس از دیگری رخ می‌نماید. یاد مبارزه سرکوب شده و
در خون تپیده و یاران چون اختران سوخته، در ذهن شاعر زنده است و با آن که زمان شادمانی و
نغمه سرایی گذشته است، هنوز آتش امید کاملاً خاموش نشده است. شاعر چنگ گسیخته زه را
به کناری می‌نهد و فانوس به دست به کوچه می‌آید تا مردم را با فریاد، از کشته شدن صبحگاه
آگاه کند و خون روز را بر سنگفرش‌های خیابان نشانشان دهد: یاران ناشناخته ام / چون اختران
سوخته / چندان به خاک تیره / فرو ریختند سرد / که گفتم / دیگر زمین همیشه شبی بی ستاره ماند /
آنگاه من که بودم / جغد سکوت لانه تاریک درد خویش / چنگ ز هم گسیخته زه را / یک سو
نهادم / فانوس بر گرفته به معبر در آمدم / گشتم میان کوچه مردم / این بانگ با لبم شرر افشان /
آهای از پشت شیشه‌ها به خیابان نظر کنید / خون را بر سنگفرش ببینید / این خون صبحگاه است
گویی به سنگفرش / که این گونه میتپد دل خورشید / در قطره‌های آن... / (به نقل از باغ آینه - بر
سنگفرش)

نتیجه‌گیری

شعر فارسی از عصر مشروطیت به بعد وارد دوره جدیدی می‌شود و تحولات ژرفی را تجربه
می‌کند. شاعران عصر مشروطیت با احساس رسالت اجتماعی شعر فارسی را با رویکردی جامعه
گرا به سمت و سوی سوق دادند تا تبدیل به صدای رسای اعتراض اجتماعی بشود. احمد از موثر
ترین شاعران معاصر است که آثارش از منظر در بر داشتن طیف متنوعی از درون مایه‌های
اجتماعی به او چهره‌ای شاخص و متمایز می‌دهد. خشم و خروش شاملو به خاطر مردم است، مردم
فقیر و بیچاره‌ای که فقر و فاصله طبقاتی زندگی آن‌ها را تحمل مدام درد و ستم کرده است. شاملو



در می‌یابیم که وی به خوبی از ظرفیت‌ها و امکانات معنایی زبان آگاه بوده است که این امر نشان از مطالعه عمیق شاعر در حوزه زبان و امکانات زبانی دارد.

منابع

- ترابی، ضیاء الدین، (۱۳۸۷)، بامدادی دیگر: نگاهی تازه به شعر احمد شاملو. تهران: نشر افراز.
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، سفر درمه. تهران: انتشارات نگاه.
- زرقانی، مهدی، (۱۳۸۴)، چشم‌انداز شعر معاصر ایران. ثالث. تهران.
- شاملو، احمد، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار احمد شاملو. چاپ نهم، تهران: نشر نگاه.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، با چراغ و آینه، تهران: نشر سخن.
- شهرجردی، پرهام، (۱۳۸۱)، ادیسه‌ی بامداد احمد شاملو. تهران: کاروان.
- صاحب‌اختیاری، بهروز و دیگران، (۱۳۸۱)، احمد شاملو شاعر شبانه‌ها و عاشقانه‌ها. تهران: انتشارات هیرمند.
- قراگوزلو، محمد، (۱۳۸۲)، چنین گفت بامداد خسته، تهران: ثالث.
- مجابی، جواد، (۱۳۷۷)، شناخت‌نامه‌ی شاملو. تهران: انتشارات قطره.